

<https://www.aftabekherad.ir>

## Elections and a polarized atmosphere

Mohammad Taher Afzali

Master of Laws

Received: 2015/11/20

Accepted: 2015/12/08

### Abstract

Elections and the selection of public officials, government officials, members of parliament, and members of local councils by the people are essential requirements of democracy. It is impossible to find a country that claims to be democratic but does not have institutions such as elections or referendums. The Islamic Republic of Iran, by choosing religious democracy as the main policy of the government, has held healthy elections in all spheres and ranks during the years after the revolution. Elections that have always been accompanied by factionalism and partisanship have led to the formation and strengthening of a competitive atmosphere and electoral enthusiasm in society, and sometimes conditions have been created with emotional behavior, the substitution of slogans for programs, the destruction of rival factions, and extremism, which have accompanied and caused an irrational polar atmosphere in society. This incident, which has occurred more in presidential elections in recent years, has many disadvantages, along with few and temporary advantages such as increased electoral enthusiasm and high participation, that we must try to prevent by adjusting the atmosphere. In this article, we will analyze the polarization of society in elections and the likelihood.

**Keywords:** Elections, Islamic Consultative Assembly, Political Arrangement, Polarization, Polarization, Faction of it occurring in the upcoming elections.

## انتخابات و فضای قطبی شده

محمد طاهر افضلی

کارشناسی ارشد حقوق

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۱۷

### چکیده

انتخابات و برگزیده شدن مقامات عمومی، دولتمردان، نمایندگان مجلس و اعضای شوراهای محلی توسط مردم از ملزومات ضروری مردم سالاری است. نمی‌توان کشوری را یافت که مدعی دموکراسی باشد ولی نهادهایی مانند انتخابات و یا همه پرسی در آن وجود نداشته باشد. جمهوری اسلامی ایران نیز با انتخاب مردم سالاری دینی به عنوان مشی اصلی حکومت، در طول سال‌های پس از انقلاب انتخابات سالمی را در تمامی شئون و رده‌ها، برگزار نموده است. انتخاباتی که همواره با جناح بندی و تحزب‌هایی همراه بوده است که به تشکیل و تقویت فضای رقابتی و شور انتخاباتی در جامعه منجر شده است و گاهی نیز شرایط با رفتارهای احساسی، جایگزین کردن شعار به جای برنامه، تخریب جناح‌های رقیب و افراطی‌گری، همراه و موجبات فضای قطبی غیر عقلانی در جامعه فراهم آمده است. این اتفاق که در طول سال‌های اخیر بیشتر در انتخابات ریاست جمهوری رخ داده است در کنار محاسن اندک و گذرایی هم چون افزایش شور انتخاباتی و مشارکت بالا، معایب فراوانی دارد که باید تلاش کرد تا با تعدیل فضا از بروز آنها جلوگیری نمود. در این مقاله، تحلیلی خواهیم داشت بر قطبی شدن جامعه در انتخابات و احتمال بروز آن در انتخابات پیش رو.

**واژگان کلیدی:** انتخابات، مجلس شورای اسلامی، آرایش سیاسی، قطبی شدن، قطب‌بندی، جناح‌بند.

## مقدمه

در جهان امروز به ویژه در ممالکی که نظام‌های سیاسی نماینده سالار و بر مبنای دموکراسی غیر مستقیم استوار است، احزاب سیاسی در ارتباط تنگاتنگی با کلیه وجوه سیاست و علی‌الخصوص انتخابات مطرح می‌باشند و با سازمان دادن به اندیشه‌ها و گرایش‌های سیاسی موجود در جامعه عامل نزدیک کردن خرده گرایش‌های فردی و اجتماعی در قالب ایدئولوژی‌ها و نظام‌های اندیشه‌ای منسجم می‌شوند. موضوعی که ابعاد عمیق‌تری به مبارزه‌های انتخاباتی می‌بخشد و معنا و مفهوم رقابت‌های سیاسی را از شکل فردی و گاهی سطحی خارج نموده و به آن رنگ و بویی مبنایی و سازمان یافته می‌بخشد.

جلوگیری از هرز رفتن نیروهای پراکنده و نامتحرک، کاستن از شکسته و خرد شدن آراء مردم، رونق بخشیدن به فضای رقابتی و جلوگیری از اعتراضات بی‌جا، استنتاج‌های ناپخته و مبارزه‌های بی‌برنامه از مهم‌ترین کارکردهای احزاب در نظام‌های انتخاباتی می‌باشد. (قاضی، ۱۳۷۷)

در واقع این احزاب هستند که با فعالیت‌هایشان باعث به وجود آمدن فضایی رقابتی و قطب‌بندی در انتخابات می‌شوند که بر شور و نشاط انتخاباتی می‌افزاید و زمینه حضور گسترده شهروندان را فراهم می‌نماید.

اما در نظام‌های دو حزبی که ایران نیز شباهت زیادی به جهت ساختاری با آنها دارد، گاهی اوقات دو حزب اصلی کشور تبدیل به دو قطب مخالف می‌شوند و شرایطی به وجود می‌آورند که همه مردم به ناچار و غالباً بر مبنای احساس، با یکی از احزاب همراه شده و ضمن حمایت سرسخت و اکثراً احساسی از جبهه خودی به حملات و انتقادات شدید به حزب رقیب پردازند.

در این حالت، دو قطب مخالف، به گونه‌ای افراطی رو در روی هم قرار می‌گیرند و چنان فضای سیاسی کشور را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهند که جز صدای این دو قطب، صدای دیگری شنیده نمی‌شود.

هدف از ایجاد این وضعیت، خلق فضاهایی احساسی و ایجاد خلاء عقلانی به ویژه در ایام انتخابات می‌باشد. وضعیتی که در آن کمتر حرف حساب، حرف منطقی یا عقلایی شنیده می‌شود و کسی که در این شرایط به عقل و منطق دعوت می‌کند، به سازش کاری و بی‌عملی متهم می‌شود.

از جمله مواردی که می‌توان از آن به عنوان دلیل قطبی شدن فضای جامعه یاد کرد این است که افراد به جای این که به تعریف محتوایی از شیوه و منش و برنامه‌های خود و یا گروه پردازند، طرف مقابل و برنامه‌هایش را به شکلی افراطی نفی می‌کنند.

## تاریخچه قطبی شدن فضای انتخابات در ایران

در ایران نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امکان ظهور و بروز احزاب فراهم شد و گروه‌های سیاسی با اندیشه‌ها و افکار مختلف ظاهر شدند و به ایفای نقش سیاسی پرداختند و اگر چه در سال‌های اولیه پس

از انقلاب، از قاعده‌مندی برخوردار نبودند اما تشکیل سریع نهادهای نظام و تثبیت پایه‌های انقلاب موجبات سازمان‌یافتگی آنان را فراهم آورد. به طوری که رفته‌رفته با تدوین قانون اساسی و حذف بسیاری از احزاب فضای سیاسی کشور به دو جناح بزرگ چپ و راست تقسیم شد که دیگر احزاب ذیل آنها تعریف شدند و مشخص و نمود پیدا کردند و در انتخابات دوره‌های مختلف در مقابل یکدیگر صف‌آرایی نموده و به رقابت سیاسی پرداختند.

مسئله‌ای که در طول تاریخ جمهوری اسلامی در بعضی مواقع منجر به دو قطبی شدن شدید فضای جامعه شده است و اوج آن را می‌توان در انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۶ — که با پیروزی جناح چپ همراه بود — و انتخابات سال ۸۸ — که پیروزی جریان راست را به ارمغان آورد — مشاهده نمود. فضای قطبی‌ای که اگرچه پس از اعلام نتایج انتخابات سال ۷۶ منجر به اتفاق خاصی نشد، اما پس از سال ۸۸ و اتمام رقابت‌های شدید و احساسی دو جریان اصلی حاضر در انتخابات، تالی فاسد خود را به وضوح نشان داد و حدود ۸ ماه کشور را درگیر عواقب خویش نمود.

در رابطه با انتخابات هفتم ریاست جمهوری — که رقابت اصلی در آن بین آقای سیدمحمد خاتمی و آقای علی‌اکبر ناطق نوری بود به نظر می‌رسد — قطبی شدن فضای جامعه ناشی از رفتارهای اشتباه حامیان یک طیف و موج سواری طیف دیگر بر همان اشتباهات بود که البته به پیروزی آنها نیز منجر شد. سر دادن شعارهای آزادی و جامعه مدنی در فضای آن دوران، شایعه حمایت حکومت و مسئولین کشور از کاندیدای جناح راست و تقویت این شایعه‌ها از سوی حامیان جناح چپ، تخریب و برهم زدن سخنرانی‌های نامزد جناح چپ توسط برخی افراد ناشناخته و از همه مهم‌تر دفاع آقای خاتمی از خویش در سخنرانی‌های دیگر و بیان محدودیت‌هایی که برای وی ایجاد شده است و درخواست کمک از مردم برای پایان دادن به آن فضا، مسائلی بودند که باعث ایجاد فضای قطبی شدید در جامعه شدند و نهایتاً از آنجا که مردم در این فضا، خاتمی را نسبت به آقای ناطق نوری، چهره‌ای جدید می‌دانستند — که حرف‌های تازه‌ای می‌زند و شعارهای جدیدی سر می‌دهد و از طرفی مظلوم واقع شده بود — رأی خود را به این چهره (نو و مظلوم) دادند تا چهره‌ای که نماد وضعیت موجود بود پیروز انتخابات نباشد.

برخی از اندیشمندان جامعه‌شناسی و علوم سیاسی معتقدند که این دو ویژگی «نو بودن» و «مظلومیت» تأثیر زیادی در قطبی شدن فضای انتخابات و پیروز شدن کاندیدای دارای این ویژگی‌ها در ایران دارد. برای مثال آنها در کنار انتخابات ۷۶ که به توضیح آن پرداخته شد، انتخابات سال ۸۴ ریاست جمهوری را به عنوان شاهد مطرح می‌کنند و عنوان می‌کنند که ایده پردازان جناح چپ (اصلاح‌طلبان) در این انتخابات تلاش کردند تا الگوی دو قطبی سال ۷۶ را احیا کنند و از آنجا که آقای هاشمی رفسنجانی، چهره جدیدی برای مردم نبود، امکان انتساب مظلومیت و نماد تغییر وضع موجود به وی وجود نداشت، لذا پروژه آنها با شکست مواجه شد و از آن سو کاندیدای جریان راست (اصول‌گرا) که از نگاه مردم همه آن ویژگی‌ها، یعنی

تازگی، مظلومیت و تغییردهندهٔ اوضاع موجود را دارا بود پیروز انتخابات شد (پازوکی، ۸۷). شاید دلیل عدم موفقیت چهره‌های سرشناس نظام، در دوره‌های مختلف انتخابات را نیز بتوان در همین موضوع جستجو کرد.

اما با گذشت از این انتخابات، به انتخابات سال ۸۸ می‌رسیم که قطعاً شدیدترین فضای قطبی را در طول سالیان پس از انقلاب به همراه داشته است. فضای قطبی سال ۸۸ گرچه منجر به شور انتخاباتی بسیار بالا در جامعه و مشارکت ۸۵ درصدی مردم در انتخابات شد اما آن قدر شدید بود که منجر به حوادثی شد که تا ۸ ماه بعد از آن ادامه داشت و مردم و نظام را متحمل خرابی‌ها و هزینه‌های فراوانی نمود. حضور رئیس‌جمهور وقت کشور با پشتوانهٔ رأی بالا در انتخابات از یک سو و مطرح شدن یکی از بزرگان اصلاحات پس از حدود بیست سال دوری از مسئولیت‌های دولتی به عنوان نامزد آن جریان از سوی دیگر باعث ایجاد فضای قطبی در جامعه در این ایام شد و جایگاه ضعیف‌تر کاندیداهای دیگر حاضر در انتخابات و مناظره‌های پرتنش انتخاباتی و به خصوص صحبت‌های تابوشکنانه، حضور فراینده جریان‌های متنوع که از هیچ روشی برای پیروزی در انتخابات و تحریک احساسات اجتماعی فروگذار نکردند، منجر به شدت گرفتن آن فضا شد.

### انواع دوقطبی‌ها در انتخابات‌های گذشتهٔ مجلس شورای اسلامی

حکومت جمهوری اسلامی در انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز دوقطبی‌های بسیاری به خود دیده است. «چپ و راست»، «حامیان فقه سنتی و فقه پویا»، «طرفداران و مخالفان انجمن حجتیه» و «جناح دولت - جناح بازار» از اولین دوقطبی‌های پس از انقلاب بود.

اما جدی‌ترین دوقطبی در انتخابات مجلس شورای اسلامی در سومین دورهٔ آن، توسط مجمع روحانیون مبارز و جریان‌های هم سو، تحت عنوان دوقطبی «طرفداران اسلام ناب محمدی (ص) و طرفداران اسلام آمریکایی» بوجود آمد. مجمع روحانیون مبارز در این انتخابات خود رامعتقد به اسلام ناب محمدی (ص) می‌دانست و رقیب را به اعتقاد به اسلام امریکایی متهم می‌کرد. همین دوقطبی بود که باعث شد همهٔ افراد لیست سی نفرهٔ مجمع روحانیون مبارز، رأی آورده و اکثریت کرسی‌های مجلس سوم را تصاحب کنند. در انتخابات مجلس چهارم نیز جریان راست که با شعار حمایت از دولت سازندگی وارد میدان شده بود، با ایجاد دوقطبی (حامیان دولت سازندگی و مخالفین آن)، سعی در خارج کردن رقیب از صحنهٔ رقابت سیاسی نمودند که نهایتاً با حذف کامل نامزدهای جریان چپ به موفقیت دست یافتند. (سعیدی، ۹۲)

## جریانات سیاسی و میزان فضای قطبی در انتخابات ریاست جمهوری ۹۲

اما با گذر از همه این انتخابات‌ها، به آخرین انتخابات یعنی انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ می‌رسیم که به دلیل حضور کاندیداهای متعدد و هم‌سو و نسبتاً هم‌سطح از جریان اصول‌گرایی و حمایت همه اصلاح‌طلبان از حسن روحانی، اولاً با کاهش فضای قطبی و ثانیاً با پیروزی کاندیدای جریان اعتدال و مورد حمایت جریان اصلاحات همراه بود. برای این دوره هم دوقطبی‌های متعددی مانند «بازارگرایان و جامعه‌گرایان»، «اعتدالیون — افراطیون»، «اصلاح‌طلبان، اقتدارگرایان»، «موافقان و مخالفان احمدی‌نژاد»، «منادیان انتخابات آزاد و مخالفین آن» و... توسط سیاستمداران و صاحب‌نظران پیش‌بینی می‌شد که مهم‌ترین این دوقطبی‌ها از نظر آنها دوقطبی (هاشمی - مشایی) بود که البته با رد صلاحیت هر دوی این نامزدها هرگز به وقوع نپیوست. در کنار اتفاقات خاصی که در هر دوره و انتخاباتی موجب به وجود آمدن و تشدید فضای قطبی می‌شود به طور کلی می‌توان به دو جریانی بودن، فردمحوری به جای حزب‌محوری، جایگزینی شعارهای بی‌اساس به جای ارائه برنامه‌های اجرایی و راه‌گشا، احساس ناشی از هیجان‌های انتخاباتی به جای عقلانیت و اندیشه و همچنین تخریب‌های شدید به جای انتقادهای صحیح و معقول به عنوان عوامل مشترک قطبی‌سازی جامعه در زمان‌های مختلف اشاره کرد، اما به ویژه مداخله جریانات پنهان و معارض که با سوءاستفاده فرصتی از فضای انتخابات از مکانیزم‌ها و شیوه‌های متفاوت برای بسط و تعمیق شکاف‌های سیاسی بهره می‌گیرند، در کنار نقش رسانه‌های معارض که با فضا‌سازی پردامنه تحریکات، تصویرسازی تعارض‌آمیز از جریانات و دوقطبی‌های ایجاد شده نقش بی‌چون و چرایی در قطبی‌سازی جامعه ایفا می‌کنند.

### معایب و مشکلات قطبی شدن جامعه

اما در رابطه با مضرات قطبی شدن جامعه و فضای انتخابات نیز همان‌گونه که به طور خلاصه به آن اشاره شد، نظرات مختلفی وجود دارد و معایب بسیاری را ذیل آن بر شمرده‌اند که موارد زیر از جمله مهم‌ترین این معایب می‌باشند:

◀ دوقطبی‌سازی‌های کاذب، زمینه میدان‌داری و محوریت یافتن افراطیون را در انتخابات فراهم می‌آورد.

◀ مدافعان و طراحان دوقطبی‌های غیر واقعی، بیش از آنکه برنامه‌ای برای اداره کشور داشته باشند، بر رویکرد نفی و نقد قطب مقابل تأکید دارند، لذا زمینه تخریب نامزدها و آلوده‌شدن فضای انتخابات فراهم می‌شود.

◀ فضای کاذب ایجاد شده، امکان انتخاب آزاد مبتنی بر اصلح‌گزینی را از توده مردم سلب می‌کند و با میدان‌داری عواطف و احساسات، زمینه تصمیمات غیرعقلانی و احساسی را باعث می‌گردد.

◀ کدورت‌های احتمالی حاصل از فضای رقابت‌های انتخاباتی که بعد از پایان رقابت‌های انتخاباتی نیز باقی می‌ماند، زمینه گسست اجتماعی و منازعات داخلی را فراهم آورده و خودبه‌خود قدرت اجتماعی کشور را در نتیجه تضعیف انسجام اجتماعی، تعمیق دوئیت و واگرایی اجتماعی، با اختلال مواجه می‌سازد.

◀ فضای رقابت تبدیل به فضای منازعه و کشمکش می‌شود. چون اساساً مظلوم‌نمایی و در مقابل ظالم نشان دادن رقیب، حاصل دعواست نه رقابت.

◀ کلنلیدای پیروز پس از قرار گرفتن در منصب قدرت، به جای معطوف نمودن تلاش خود برای پیشرفت و تعالی جامعه و حل مشکلات کشور، مشغول ادامه لجبازی و مبارزه با جریان رقیب در انتخابات می‌شود و از آن سو حامیان جریان مقابل هم به جای همدلی و همکاری با کاندیدای پیروز و دولت برآمده از آن، کماکان به تخریب وی و برنامه‌ها و رویکردهای آن می‌پردازند.

◀ در چنین فضایی، مدیریت کشور با احتمال ناکارآمدی و تضعیف توان اجرایی مواجه که این خود مقدمه ناامیدی مردم از بهبود اوضاع می‌شود و این ناامیدی باعث می‌شود تا بین ملت و حکومت شکاف‌های متفاوت کارکردی، رویکردی و گفتمانی ایجاد شود که نمی‌توان برای آن آینده روشنی تصور نمود.

### بررسی فضای جامعه و جریان‌ات سیاسی در وضعیت کنونی

با گذشت سی و پنج سال از انقلاب اسلامی ایران و پس از یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، دولت تدبیر و امید به ریاست حسن روحانی با حمایت کامل جریان اعتدال، قاطبه جریان اصلاحات و بخش کوچکی از اصول‌گرایان، روی کار آمد تا کشور در این دوره نیز شاهد جریان‌ات، فضا و کشمکش‌های سیاسی تازه‌ای باشد.

موضوع قابل توجهی که می‌توان به عنوان نقطه عطف جریان‌های سیاسی در این بازه زمانی از آن یاد کرد، بحث «تکثر» احزاب می‌باشد. مسأله‌ای که هر نوع کنش و عمل سیاسی در این دوره ضرورتاً می‌بایست معطوف به آن تنظیم و توجیه شود و عمده ریشه‌های آن در ۳ مورد زیر می‌باشد:

۱. فرآیند «نوسازی جامعه» که به توسعه فردگرایی خصوصاً در شهرهای بزرگ که بیشتر در معرض این تحولات و دگرگونی‌ها هستند، انجامیده است.

۲. توسعه «خودمرجعی» که نتیجه وضعیت جاری گروه‌های مرجع از روحانیت تا روشنفکران تا گرایش‌های گوناگون سیاسی راست و چپ و اصلاح‌طلب و اصول‌گراست.

۳. دسترسی آسان به «رسانه‌های متنوع» از پیامک تا وبلاگ تا حضور در شبکه‌های اجتماعی گوناگون به صورتی که باید از (هر یک نفر یک رسانه) به عنوان یک واقعیت سخن گفت که اجازه ظهور گسترده به این فردیت و خود مرجعی را می‌دهد. (امینی، ۹۲)

در چنین بستری جریان‌های سیاسی تلاش دارند رویکردهای خود را به پیش ببرند، نگاهی به رویکردهای جریان‌های سیاسی در این زمینه بخشی از واقعیت شرایط کنونی کشور است.

برخی از جریان‌های سیاسی مهم، فعال و تأثیرگذار در این برهه از زمان و در آستانه دهمین انتخابات مجلس شورای اسلامی، به شرح زیر می‌باشند:

۱- اصلاح‌طلبان: انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ و پیروزی کاندیدای مورد حمایت جریان اصلاحات، جانی تازه به بدنه این طیف عطا کرد، به طوری که آنان پس از رامیابی نیروها و همفکران خویش به هیأت دولت، به تلاش برای تصاحب مجلس و شورای شهر پرداختند. در اردوگاه اصلاح‌طلبان می‌توان به حزب مشارکت، مجمع روحانیون مبارز، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، کارگزاران و حزب تازه تأسیس ندا اشاره کرد.

مشارکت: این حزب که در حوادث پس از انتخابات سال ۸۸ منحل شده بود، در این ایام، از طریق اخذ مجوز توسط اعضای سابق آن برای تأسیس حزبی به نام «اتحاد ملت» احیا شد، موضوعی که اعتراضات گسترده به آن رحمانی فضلی وزیر کشور دولت یازدهم را برای ارائه توضیح به مجلس کشاند. مجمع روحانیون مبارز: این مجمع مهم‌ترین شکل سیاسی جناح اصلاح‌طلب می‌باشد که اگرچه یکی از اعضای اصلی آن یعنی مجید انصاری به منصب معاونت پارلمانی دولت تدبیر و امید دست یافت، اما همچنان دوران سکوت را طی می‌کند.

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی: این جریان اگرچه در حال حاضر فعالیت سیاسی چندانی ندارند، اما شخصیت‌های آن همچنان در عرصه سیاست حضور دارند و به جهت دهی می‌پردازند. بنابراین از گروه‌های تصمیم‌ساز در بین اصلاح‌طلبان قلمداد می‌شوند.

حزب ندا: یا همان نسل دوم اصلاح‌طلبی که آذر ماه سال ۹۳ تأسیس شد و اعلام نمود که در انتخابات مجلس شورای اسلامی، همراه با شورای هماهنگی اصلاحات، عمل خواهد نمود. این حزب که دبیر کل آن اعلام کرده است احتمال حضور مستقل اعضای آن در انتخابات نیز وجود دارد، هیچ‌گاه مورد استقبال چهره‌های شاخص جریان اصلاحات قرار نگرفت.

کارگزاران: اعضای این حزب سیاسی که می‌توان آن را قوی‌ترین جریان داخلی دولت دانست از طرفی تجربیات بالایی در کار حزبی قوی دارند و از طرفی ارتباط و قرابت زیادی با دولت یازدهم دارند (جهانگیری، ۱۳۹۴)، لذا به نظر می‌رسد که نقش مهمی در میزان موفقیت جریان اصلاح‌طلب در انتخابات مجلس داشته باشند.

با نگاهی به اظهارات و مواضع چهره‌های برجسته جریان اصلاحات می‌توان دریافت که این جریان سعی دارد از حوادث و اتفاقات، ماهی مراد خود را صید کند. در همین راستا، این جریان با اتخاذ راهبرد «یک گام به عقب، دو گام به جلو» سعی دارد دولت را وام دار خود جلوه گر ساخته و خود را محق دستیابی

به برخی از مناصب و جایگاه‌ها قلمداد کند تا از طریق اتحاد با دولت، فرصتی برای بازسازی و بازیابی خود فراهم آورد. (ربیعی، ۱۳۹۳) از همین روست که برخی، از احتمال ائتلاف نانوشته این جریان با اعتدال‌گرایان و نیروهای نزدیک به دولت خبر داده‌اند و برخی دیگر تصمیم اصلاحات در این باره را به رفتار سیاسی اصول‌گرایان منوط و مرتبط دانسته‌اند و عنوان کردند در صورت ایجاد وحدت و ائتلاف درون‌گفتمانی بین نیروهای اصول‌گرا، احتمال ائتلاف جریان اصلاحات با دولتی‌ها بالا می‌رود و در صورت تشتت آرا اصول‌گرایان، پایین می‌آید. (احسانی‌نیا، ۱۳۹۲)

به هر روی، اصلاح‌طلبان، چه با جریان اعتدال ائتلاف کنند یا نکنند، در شرایط کنونی برای حضور در مجلس و به دست آوردن قدرت بیشتر نیازمند انسجام و وفاق درون‌گروهی هستند که به نظر می‌رسد همه احزاب این جریان، عالم به این ضرورت بوده و خواهان ارائه فهرست مشترک برای انتخابات مجلس دهم می‌باشند.

**۲- اصول‌گرایان:** جریان اصول‌گرا شامل طیف‌های متعددی هم چون جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جامعه روحانیت مبارز، حزب مؤتلفه اسلامی، جمعیت رهپویان، جمعیت ایثارگران، جبهه پایداری و جبهه رهروان ولایت می‌باشند.

**رهپویان و ایثارگران:** این دو گروه از اصول‌گرایان که مواضع نزدیکی با یکدیگر دارند در بسیاری از تصمیم‌سازی‌های سیاسی این جریان، حضور پررنگی دارند. نقش این دو گروه در مجلس هفتم به قدری با اهمیت بود که موجب شد آنها بتوانند هیات رئیسه مجلس و کرسی ریاست آن را تصاحب کنند. گمان می‌رود این طیف به شرط حضور مستقل در انتخابات مجلس دهم، با سرلیستی حداد عادل وارد میدان رقابت شوند.

**جبهه پایداری:** این جبهه که در آستانه انتخابات مجلس نهم و حول محور آیت‌الله مصباح یزدی شکل گرفتند و تلاش بسیاری برای خالص‌سازی اردوگاه اصول‌گرایی مصروف داشتند، از دیگر جریان‌های فعال و مؤثر اصول‌گرایان در دوره فعلی به حساب می‌آیند و بی‌شک برنامه‌هایی برای حضور در مجلس دهم خواهند داشت. این جبهه که از سوی اصلاح‌طلبان، اعتدال‌گرایان و بعضاً خود اصول‌گرایان به نیروهای تندرو و افراطی جریان راست ملقب شده‌اند، احتمالاً با سرلیستی کامران باقری لنگرانی یا سعید جلیلی به عرصه انتخابات مجلس دهم پا خواهند گذاشت.

**رهپویان ولایت و سنتی‌ها:** دیگر گروه مطرح جریان اصول‌گرایی که از طرفی ارتباط خوب و نزدیکی با دولت یازدهم دارد و مسند عالی برخی از وزارتخانه‌های این دولت را نیز به دست آورده است و از طرفی اکثریت مجلس فعلی را داراست از منظر جریان‌شناسی، جزو اصول‌گرایان سنتی محسوب می‌شود و علی‌الریجانی، رئیس فعلی مجلس، مهم‌ترین عضو و سرلیست احتمالی آنان می‌باشد.

اصول‌گرایان که تجربه شکست در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ را — که دلیل اصلی آن عدم وحدت بود — در کارنامه خود دارند، برای انتخابات مجلس دهم عزم خودشان را جزم نموده‌اند تا به ائتلاف و وحدت حداکثری برسند. از این رو احزاب اصول‌گرا جلساتی را با یک دیگر برگزار کرده‌اند که در این رابطه، می‌توان به جلسهٔ ایثار گران با مؤتلفه و پایداری اشاره کرد.

در همین راستا در صورتی که نقش مهمی برای آیت‌... یزدی و آیت‌... موحدی کرمانی در اتحاد یا عدم اتحاد جریان اصول‌گرا قائل باشیم، تلاش‌های جریان اصول‌گرا و محور قرار دادن حضرات آیات یزدی، موحدی کرمانی و مصباح یزدی برای سامان دادن این جریان و تأمین وحدت و ارائه لیست مشترک، گام مهمی است که برداشته شده و انتظار می‌رود این اتفاق نظر حاصل آید. اگرچه فاصله بین برخی از خرده‌جریان‌ات در اصول‌گرایی بسیار زیاد و احتمال وفاق و اجماع بین آنها قابل حصول نباشد.

**۳- اعتدال‌گرایان:** بیانات شخص رئیس‌جمهور، معاون اول و معاون اجرایی وی در طول ماه‌های اخیر نشان می‌دهد که آنها نیز به انتخابات توجه دارند و برای آن برنامه‌ریزی می‌کنند. احتمال نزدیکی این جریان با برخی از گروه‌های اصلاح‌طلب و به ویژه برخی چهره‌های اصول‌گرای معتدل دور از نظر نیست و احتمال وقوع بیشتری دارد.

**۴- حامیان احمدی‌نژاد:** یکی دیگر از موضوعات قابل توجه در رابطه با انتخابات آتی، بازگشت احمدی‌نژاد و حلقهٔ پیرامون وی به عرصهٔ قدرت است که برخی آن را از دردسرهای اصول‌گرایان و بزرگترین مانع برسر راه ائتلاف آنها دانسته‌اند. احمدی‌نژاد که در ماه‌های پس از روی کار آمدن دولت یازدهم سکوت اختیار کرده بود، به تدریج نشانه‌های تلاش برای بازگشت به قدرت را نمودار ساخته است تا آنجا که برخی افراد، حتی سفرهای وی به شهرهای مختلف کشور برای شرکت در مراسم یادبود مادرش را نیز سفرهای تبلیغاتی قلمداد و عنوان کردند. این در حالی است که خود احمدی‌نژاد چندی پیش در جمع مسئولان دولتش عنوان کرد که خودش و یارانش هیچ علاقه و برنامه‌ای برای فعالیت انتخاباتی ندارند.<sup>۱</sup> علیرغم این اظهارات باید احمدی‌نژاد و جریان وابسته را یک «کنشگر مبهم» در انتخابات آتی دانست که علیرغم برنامه‌های متنوع سعی دارد چنین وانمود کند که در انتخابات فعال نیست و این انتخابات برای او اولویت ندارد، شاخص‌ها و نمودهای فراوانی وجود دارد که جریان مذکور به دنبال حضوری مؤثر و سامان‌دهی نیروها برای بازسازی جریان و کسب بخشی از کرسی‌های مجلس است.

۱. احمدی‌نژاد، ۹۴/۴/۱۵

## امکان‌سنجی قطبی شدن فضای انتخابات آینده مجلس

در این بازه زمانی یعنی همزمان با دو سال ابتدایی دولت یازدهم و در آستانه انتخابات دهم مجلس شورای اسلامی، اتفاقاتی در فضای سیاسی و اجتماعی کشور رخ داد که فضا را به سمت دوقطبی شدن سوق داد. در ادامه به بررسی برخی از این وقایع می‌پردازیم.

### مسئله مذاکرات هسته‌ای و حواشی داخلی آن:

«ملت ایران باید متحدباشند، از این قضایای هسته‌ای و غیرهسته‌ای و مانند اینها دودستگی ایجاد نشود که هر دو دسته یک‌جور بگویند بالاخره یک کاریست دارد انجام می‌گیرد. بین مردم نباید دودستگی بوجود بیاید. دشمن این را می‌خواهد»<sup>۱</sup> این‌ها بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب در رابطه با دوگانگی‌هایی است که در کشور و در پیرامون مسئله هسته‌ای در حال شکل‌گیری بود. نوع موضع‌گیری در برابر توافق هسته‌ای به گونه‌ای بوده است که موافقان و مخالفان آن در دو قطب مقابل یکدیگر تعریف و مواضع تندی نسبت به یکدیگر داشته‌اند. مداخله مقام معظم رهبری و تذکرات داهیانۀ ایشان گرچه تا حدی فضا را تعدیل کرد، اما حضور برخی از چهره‌های سیاسی مثل آقای جلیلی در کمیسیون امنیت ملی و انتقادات اساسی ایشان به توافق و همچنین نوع موضع‌گیری اعضای وابسته به جبهه پایداری و برخی از مطبوعات اصول‌گرا نشان‌دهنده این واقعیت است که دو جریان قصد دارند با تأکید بر توافق انجام شده در انتخابات از آن بهره‌گیری نمایند. جریان اصول‌گرا با نقد توافق در پی تعدیل گرایش عمومی به جریان مقابل و ایجاد انذار و هشدار است و جریان اصلاح‌طلب و اعتدال نیز در صدد است از سرمایه اجتماعی امید و اعتماد موجود در بخش‌هایی از جامعه که در نتیجه توافق حاصل آمده است بهره‌گیری نماید. این شرایط خود یکی از زمینه‌های قطبی‌سازی جامعه است.

«پرهیز از دوقطبی نمودن جامعه» یکی از توصیه‌های ۱۵ گانه مقام معظم رهبری به اعضای دولت یازدهم در شهریور ماه سال ۹۳ بود. موضوعی که به نظر می‌رسد معدودی از اعضای دولت آن‌گونه که باید به آن عمل نکردند، به گونه‌ای که در طول این دو سال شاهد بودیم که برخی نظرات و اعمال آنها منجر به تقویت فضای قطبی در جامعه شد.

ماجرای مشهور و پرهیاهوی بورسیه‌های غیرقانونی، یکی از این موارد بود که تا مدت زیادی اذهان عمومی را درگیر خویش نمود و منجر به تقویت فضای قطبی و بدبینی به جامعه دانشگاهی و فرهیخته

۱. مقام معظم رهبری، ۹۴/۴/۲۷

کشور شد. کشف و رونمایی از پرونده‌های متعددی که بیانگر اختلالات رفتاری در دولت‌های نهم و دهم بوده است از دیگر مواردی است که منجر به ایجاد تقویت فضای دوقطبی در کشور شد. مصاحبه مشاور ارشد رییس جمهور مبنی بر حضور پول‌های کثیف در مدیریت کشور و ورود آن به انتخابات سال ۹۴ که به تیر یک روزنامه رسمی دولت نیز مبدل گشت از جمله این موضوعات است.

همچنین مطرح شدن مسأله فساد اقتصادی ۱۲ هزار میلیارد تومانی در دولت قبل توسط وزیر اقتصاد دولت تدبیر نیز مورد دیگری بود که کمک کرد تا مخالفان نظام، با تمسک به آن بیشتر از گذشته به پیدایش فضای دوقطبی در بین مردم دامن بزنند. در حالی که چندی بعد سخنگوی قوه قضائیه به طور کلی آن را رد نموده و باین بیان موضوع، انتقال وجه غیرقانونی بین دو بانک بوده است اعلام کرد که اگرچه جرم محفوظ است اما هیچ پولی برده و خورده نشده است. (نیاورانی، ۹۴)

قطبی‌سازی در انتخابات مجلس در تطبیق با انتخابات ریاست جمهوری احتمال وقوع کمتر و زمینه‌های محدودتری دارد. از سویی مسائل محلی و بومی در انتخابات مجلس برجستگی بیشتری دارد و از سوی دیگر پراکندگی چهره‌ها و نامزدها مانع از قطبی‌سازی جامعه هستند. اما عوامل تسهیل‌کننده فراوانی وجود دارد که احتمال قطبی‌سازی انتخابات را تسهیل نماید. علاوه بر تعارضات و نوع موضع جریان‌ها و احزاب و گروه‌های متفاوت در برابر یکدیگر که به برخی از آنها اشاره شد، می‌توان به زمینه‌های دیگری نیز اشاره کرد من جمله:

۱. بازیگری جریان‌های اجتماعی در فرایند انتخابات آتی که در صدد بهره‌گیری فرصتی از آن هستند.
۲. حضور فعال جریان‌های قومی — مذهبی که شواهد و اظهارنظرهای آنان گویای این واقعیت است که آنان در پی بهره‌گیری فرصتی و دامن زدن به مطالبات و بهره‌گیری از ظرفیت سایر جریان‌ها هستند.
۳. برنامه‌ریزی جریان‌های اپوزیسیونی که عموماً با سوژه‌سازی‌های متفاوت و فضا‌سازی پر دامنه برای تعمیق تضادها و شکاف‌های سیاسی از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند.
۴. فعالیت گسترده شبکه‌های اجتماعی دارای تمایز سیاسی که در طول سال‌های اخیر شتاب گسترده‌ای گرفته و در عرصه مجازی خود به عاملی بسیار مؤثر برای فضا‌سازی منفی و تعمیق تضادهای شکافی مبدل شده است.
۵. استفاده ابزاری از کانون‌ها و اقشار متفاوت به ویژه دانشجویان، نیروهای مردمی سازمان‌یافته، سازمان‌های مردم‌نهاد و... و نفوذ جریان‌های متفاوت در این مراکز خود مقدمه‌ای برای تعمیق شکاف‌ها و دامن زدن به تضادها و دوقطبی کردن جامعه

۶. مداخله بیگانگان و بهره‌گیری از فرصت انتخابات برای پیشبرد اهداف خود که معمولاً با بسیج نیروهای همسو و القاء تفکرات انجام می‌شود، در نقش متغیری بنیادین در قطبی‌سازی انتخابات آینده نیز تأثیرات زیادی خواهد داشت.

۷. جریان‌های مخالف و اپوزیسیون فعال داخلی که تلاش خواهد کرد با نزدیکی با جریان‌های خودی این روند را دامن بزند و نمونه این روش را در انتخاب‌های متفاوت از جانب جریان‌ات ملی — مذهبی و برخی چهره‌های سیاسی فعال در خارج از کشور شاهد بوده‌ایم.

۸. جریان‌های شبه رادیکال سیاسی که با بدبینی و استفاده ابزاری از مراکز سیاسی، مذهبی و اجتماعی این هدف را تعقیب می‌کنند.

مجموع این شرایط در نقش متغیرها و مخاطراتی است که باید مورد توجه قرار گرفته و نقش آنها به عنوان عوامل تأثیرگذار در فرایند قطبی‌سازی مورد بررسی قرار گیرد.

## منابع و مأخذ

احسانی‌نیا، علیرضا (۱۳۹۲). *چهار احتمال درباره آرایش سیاسی اصلاح‌طلبان در مجلس دهم*، پایگاه تحلیلی فرزندانگان امیدوار - بازیابی شده در ۹۲/۱۰/۳۰.

امینی، پرویز (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی سیاسی انتخابات و پس‌انتخابات یازدهم*، پورتال علوم سیاسی.

بهشتی‌پور، حسن (۱۳۹۴). *دلایل سیاسی مخالفت با برج‌جام*، مهر: بازیابی شده در ۹۴/۶/۲۱.

پازوکی، عباس (۱۳۸۷). *بلایی که فضای دوقطبی بر سر مردم آورده*، خبرگزاری دریا ۲۴: بازیابی شده در اردیبهشت‌ماه

جهانگیری، اسحاق (۱۳۹۴). *سخنرانی در دیدار با حزب کارگران*، ۲۹ فروردین‌ماه

خامنه‌ای، سیدعلی؛ *بیانات در دیدار با مردم شهر مقدس قم*: ۹۳/۱۰/۹.

خامنه‌ای، سیدعلی؛ *بیانات در دیدار با مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی*: ۹۴/۴/۲۷.

ربیعی، سینا (۱۳۹۳). *آرایش سیاسی اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس دهم*، مشرق نیوز، بازیابی شده در ۹۳/۳/۷.

سعیدی، مهدی (۱۳۹۲). *پیامدهای منفی رقابت‌های انتخاباتی مبتنی بر الگوی دوقطبی ساختگی*، برهان، بازیابی شده در ۹۲/۱/ ۲۷.

فصلنامه آفتاب خرد، پاییز ۱۳۹۴، دوره ۱، شماره ۳، پیاپی ۱

قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۷۷). *بایسته‌های حقوق اساسی*، تهران: نشر میزان، ص ۳۲۴.

نیاورانی، محبوبه (۱۳۹۴). *کاسیان دوقطبی چه کسانی هستند؟ مهر: بازیابی شده در ۹۴/۲/۲۱*.